

عمودی

۱. از اجزای دست/مقام استهلاک نفس در عرفان/کتاب مجموعه اشعار
۲. از سر باز کردن/مقلوب آن استاد سلوک است/با بیدگل می آید/تکرار حرف
۳. حرف مفعول بی واسطه/بسامان و خرم/اسم کوچک رییس جمهور اسبق افغانستان/واحد پول
۴. از رودهای شمالی ایران/اسم کوچک خارجی/ماندگار و پایا/از نفسانیاتی است که عارف خود را از آن می-رهاند
۵. اسم کوچک فوق ستاره فوتبال/از سبزیجات بسیار مفید/اسم دختر
۶. سرقت/فرار/حرارت عشق الهی
۷. برکت و نام کشور/ماه/سزاوار و زینت بخش
۸. توش و توان/جلوت نیست/برادر اصفهانی/یکی از ضمیرها
۹. تیره رو/ضمیر انگلیسی/عدد و آمار
۱۰. اجبار و تحمیل/مانع/از صفات الهی است
۱۱. طراوت و شادابی/محل کشت و زراعت/با نرمی و لطافت آمدن
۱۲. حوضچه حمام/به نرم افزارهای شبکه ای گویند/سمت و جهت/بابا آن را میآورد
۱۳. زمین ترکی/اسب تیز پا/صوفی چنین باشد/حرف غایت
۱۴. پهن کردن بساط در جای مطلوب/دروازه/این و آن دارد
۱۵. محکم کاری/حدیثی عرفانی از پیامبر شریف

افقی

۱. شارح مکتب اکبری

۲. فرهمند / با تنبیهات می آید

۳. سائیدن / از انواع پیشرفته اتاق اتومبیل / تکرار آن گشاینده درب است

۴. پرسش تعلیل فلسفی / روح مثنوی مولوی / شغلش دوختن است / منزل و مأوی

۵. مقام عرفانی انقطاع / واحد پول / وقت / دوره

۶. تباهی و نابودی / نوعی کفش دست دوز / از زدنی هاست

۷. از آن کلاه دوزند / مسئله مشهور در فلسفه دین / متولد تور

۸. بعد از غوره / شفاف انگلیسی / سر و کار عارف با آن است

۹. عارف شهر خراسان / فعل امر عربی / محض و خالص

۱۰. اسیر و گرفتار / فروشنده عرب / لا حق نیست

۱۱. توانایی و قدرت / به عارف هندی گویند / در برابر رجا می آید

۱۲. ده آن مشهور است / واله و شیفته / آب مطهر / نوعی پارچه

۱۳. هیزم سوختنی / انار عربی / از مهره های شطرنج

۱۴. برعکسش بنی امیه است / در عرفان با حال می آید

۱۵. از مسائل آنتروپولوژی عرفانی است